



Consequences of the state monopoly of foreign trade in the 1930s for the Iranian economy

Seyyed Hassan Shojaee-Divkalee¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract:

Purpose: This article reports the consequences of the implementation of a law that passed the Iranian parliament in 1929 to end the chronic imbalance of the nation's foreign trade by granting the government the exclusive right of doing foreign trade.

Method and Research Design: Data for this study was collected from the records held at the National Archives of Iran.

Findings and Conclusion: The success of previous strategies to reduce the imbalance was limited. The Great Depression of the 1929 worsened the situation. As the result, the government adopted the new strategy of holding full control of foreign trade to prevent the decline of foreign revenues. However, this in practice led to the expansion of the state bureaucracy's interference in other aspects of the economy.

Keywords:

Iran; foreign trade; Reza Shah Pahlavi; Great Depression, state monopoly

1. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Humanities and Social Sciences
University of Mazandaran, Babolsar, I. R. Iran
H.shojaee@umz.ac.ir
Copyright © 2019, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«113»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2019.2338

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 1, Spring 2019 | pp: 6 -30 (25) | Received: 30, Oct. 2017 | Accepted: 10, Jun. 2018

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

پیامدهای تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در اقتصاد تجاری ایران (۱۳۱۰ - ۱۳۲۰ ش)

سیدحسن شجاعی دیوکلائی^۱

چکیده:

هدف: بررسی پیامدهای تصویب قانون انحصار تجارت خارجی بر اقتصاد ایران در فاصله سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ ش.

روش/ رویکرد پژوهش: این مقاله با روش تحقیق تاریخی و استفاده از اسناد و مدارک آرشیوی نوشته شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: سازمان‌دهی اقتصاد تجاری به‌رغم ابتکارات قبلی حکومت چندان موفق نبود. بحران اقتصادی ۱۹۲۹ اوضاع را وخیم‌تر کرد؛ به‌همین دلیل حکومت پهلوی، قانون انحصار تجارت خارجی را در اسفند ۱۳۰۹ تصویب کرد. اگرچه هدف از تصویب این قوانین کاهش پیامدهای بحران اقتصادی و جلوگیری از کاهش درآمدهای صادراتی کشور بود، ولی این کار عملاً به افزایش مداخله و تصدی‌گری دولت نه‌تنها در تجارت خارجی بلکه در کل اقتصاد تجاری ایران انجامید.

کلیدواژه‌ها:

اقتصاد؛ تجارت؛ قانون انحصار تجارت خارجی؛ پهلوی اول.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشکده علوم انسانی
و اجتماعی دانشگاه مازندران، بابل‌سر، ایران.
H.shojaee@umz.ac.ir



گنجینه اسناد

«۱۱۳»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۱۹.۲۳۳۸

نمایه در ISI, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۱، بهار ۱۳۹۸ | صص: ۳۰-۶ (۲۵)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۸ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۰

تحقیقات تاریخی

مقدمه

اقتصاد تجاری ایران با وجود ادغام در اقتصاد جهانی منبعت از نظام سرمایه‌داری قرن نوزدهم، در تمام دوران قاجار سنتی و پیشاسرمایه‌دارانه باقی ماند و در نتیجه این وضعیت، بازدهی اش کاهش یافت. این امر ناشی از ضعف و ناکارآمدی حکومت قاجار برای محافظت از اقتصاد تجاری ایران بود.

در چنین وضعیتی اقتصاد تجاری ایران به علت برخوردار نبودن از حمایت حکومت، در عرصه مبادلات بین‌المللی به حاشیه رانده شد و به علت ایفای نقشی حاشیه‌ای سهمی کوچک از مبادلات تجاری بین‌المللی را به دست آورد. در تمام دوران قاجار کسری عمده موازنه تجاری گریبان‌گیر اقتصاد تجاری ایران بود؛ این کسری نشانه آشکار نقش حاشیه‌ای اقتصاد تجاری ایران در عرصه مبادلات تجاری بین‌المللی و کوچک بودن سهم اقتصاد تجاری ایران از این مناسبات بود.

اقتصاد تجاری ایران با چنین وضعیتی از حکومت قاجار به حکومت پهلوی به میراث رسید. برای حکومت پهلوی و شخص رضاشاه تداوم وضع موجود به دلیل نیاز روزافزون به کسب درآمد بیشتر برای تأمین منابع مالی موردنیاز برای ایجاد تمرکز سیاسی، امکان‌پذیر نبود؛ به همین دلیل رضاشاه از همان نخستین سال ریاست‌الوزرائی به اصلاحات جدی در راستای بهبود وضعیت اقتصاد تجاری ایران دست زد. این اصلاحات در سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۹ به سامان‌دهی اقتصاد تجاری ایران معطوف بود؛ ولی اهداف مدنظر حکومت از این اصلاحات (کسب درآمد بیشتر از اقتصاد تجاری) محقق نشد.

در چنین وضعیتی حکومت پهلوی برای رهایی از مشکل کسری موازنه، کسب درآمدهای ارزی بیشتر، رهایی از پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹- که موجب کاهش شدید درآمدهای حکومت پهلوی از محل اقتصاد تجاری شده بود- و هم‌چنین تأمین هزینه‌های لازم برای ایجاد تمرکز سیاسی و نوسازی جامعه ایرانی، قانون انحصار تجارت خارجی را در ۶ اسفند ۱۳۰۹ ش و متمم آن را در ۲۰ اسفند ۱۳۰۹ ش به تصویب مجلس رساند.

تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در واکنش به پیامدهای بحران اقتصادی را می‌توان از دیدگاه تیلمان اورس در کتاب «ماهیت دولت در جهان سوم» بررسی کرد. اورس اتخاذ تصمیم و درپیش گرفتن راه‌حل آنی برای رهایی از بحران‌ها را از ویژگی‌های جوامع توسعه‌نیافته برمی‌شمارد (اورس، ۱۳۶۲، ص ۱۷۷). به تعبیر جیمز باربر و مایکل اسمیت در کتاب «ماهیت سیاست‌گذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها»، شناخت ماهیت سیاسی غیردموکراتیک و خودکامه حکومت‌ها در جوامع توسعه‌نیافته به فهم بیشتر چرایی اتخاذ چنین سیاست‌ها و راه‌حل‌هایی کمک می‌کند. اعتقاد باربر و اسمیت بر این است که در حکومت‌های



خودکامه و غیردموکراتیک فضا و جو مناسب برای اقدام به این کارهای خطیر وجود دارد. علت این موضوع محدود بودن تصمیم‌گیری در این نظام‌ها به یک یا چند نفر است (باربر و اسمیت، ۱۳۷۲، ص ۱۵۵). با تلفیق دو دیدگاه مذکور، اتخاذ راه‌حل‌های آنی و بعضاً مخاطره‌آمیز در حوزه سیاست اقتصادی نظیر تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در نتیجه پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ در ایران عصر رضاشاه، قابل فهم است.

تصویب این قانون و متمم آن به دلیل اهمیت تجارت خارجی پیامدهایی مهم در بخش اقتصاد تجاری ایران داشت.

هدف اصلی مقاله حاضر بررسی پیامدهای تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در بخش تجاری اقتصاد ایران از تصویب آن تا پایان حکومت پهلوی اول است. به همین منظور این مقاله در صدد است تا با استفاده از روش تحقیق تاریخی و به کارگیری اسناد و مدارک آرشیوی به پاسخ این پرسش بپردازد که پیامدهای تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در بخش اقتصاد تجاری ایران طی سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ ش چه بوده است؟

پیشینه موضوع

به جز مقاله «قانون انحصار تجارت خارجی ایران ۱۳۰۹: زمینه‌ها، اهداف و پیامدها» که داریوش رحمانیان و همکارانش در فصل‌نامه تاریخ اسلام و ایران چاپ کرده‌اند، هیچ تحقیق مستقلاً درباره این موضوع انجام نشده است. تفاوت مقاله حاضر با اثر رحمانیان و همکارانش در موارد زیر خلاصه می‌شود: مقاله «قانون انحصار تجارت خارجی ایران ۱۳۰۹: زمینه‌ها، اهداف و پیامدها» از پایان‌نامه شهرام غلامی دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران با عنوان «اقتصاد کشاورزی ایران از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰» به راهنمایی رحمانیان استخراج شده است. بر این اساس این مقاله کاملاً بر قانون انحصار تجارت خارجی و پیامدهای آن متمرکز نیست؛ بلکه موضوعی فرعی و استخراج‌شده از پایان‌نامه‌ای در حوزه اقتصاد کشاورزی ایران در دوران پهلوی اول است. منابع استفاده‌شده در مقاله حاضر عمدتاً اسناد و مدارک آرشیوی است؛ ولی در مقاله «قانون انحصار تجارت خارجی ایران ۱۳۰۹: زمینه‌ها، اهداف و پیامدها» از اسناد و مدارک آرشیوی استفاده نشده است؛ در حالی که اسناد بخش مهمی از منابع مورد نیاز برای مطالعه تاریخ معاصر ایران هستند. هم‌چنین رحمانیان و همکارانش در مقاله خود پیامدهای تصویب قانون انحصار تجارت خارجی را در تمام بخش‌های اقتصاد ایران بررسی کرده‌اند؛ ولی مقاله حاضر با تمرکز بر پیامدهای تصویب این قانون بر بخش اقتصاد تجاری ایران به بررسی تخصصی‌تر این موضوع پرداخته است.

پیش از بررسی موضوع اصلی مقاله حاضر، بررسی نقش و عملکرد حکومت پهلوی اول



در حوزه اقتصاد تجاری ایران در سال‌های پیش از تصویب قانون انحصار تجارت خارجی ضروری است.

الف. نقش و عملکرد حکومت در حوزه اقتصاد تجاری (۱۳۰۳ تا ۱۳۰۷ ش)

اقتصاد تجاری ایران در آستانه به قدرت رسیدن رضاخان با کسری موازنه مواجه بود. فقدان سازمان‌دهی و تشکیلات در اقتصاد تجاری که میراثی بازمانده از دوران قاجار بود نقشی مهم در به وجود آمدن این کسری موازنه تجاری داشت. این موضوع در جدول شماره ۱ به‌نمایش درآمده است.

سال	واردات	صادرات	کسری موازنه
۱۳۰۰	۶۱۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۳۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۰۱	۶۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۰۵,۰۰۰,۰۰۰	۳۱۵,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۰۲	۶۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۸۵,۰۰۰,۰۰۰	۲۹۵,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۰۳	۷۷۳,۰۰۰,۰۰۰	۴۸۵,۰۰۰,۰۰۰	۲۸۸,۰۰۰,۰۰۰

جدول ۱

کسری موازنه تجاری ایران در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۳ براساس واحد پول قران

(مجله اطاق تجارت، ۱۵ اسفند ۱۳۱۰ و اول فروردین ۱۳۱۱، شماره ۳۴ و ۳۵، صص ۱۳-۱۴)

وجود چنین کسری موازنه‌ای سازمان‌دهی اقتصاد تجاری ایران را به الزامی برای حکومت پهلوی تبدیل کرد. نخستین گام در این راستا با تصویب قانون علامات صنعتی و تجاری برداشته شد. تلاش برای تصویب این قانون (قانون علامات صنعتی و تجاری) اگرچه با تصویب «لایحه استقرار و حفظ نام تجارت‌خانه‌ها و جلوگیری از تقلید علامت‌های کارخانه‌ها» توسط هیئت وزراء در دلو (بهمن) سال ۱۲۹۸ (ساکما، ۲۴۰۰۵۳۹۳، ص ۲۹) و تصویب طرح قانون علامت‌های تجاری در سال ۱۳۰۰ آغاز شد (ساکما، ۲۴۰/۴۹۲۶۹، صص ۱-۳۹)؛ ولی تحقق عملی آن تا تحکیم قدرت رضاخان در مقام ریاست‌الوزرائی و تصویب لایحه علامات صنعتی و تجاری محقق نشد. این لایحه در ۱۸ ماده در تاریخ ۲ جوزا (خرداد) ۱۳۰۳ از طرف وزارت فلاحت، تجارت و فوائد عامه به مجلس پیشنهاد شد (ساکما، ۲۴۰۰۳۶۱۴، ص ۳) و در ۹ حمل (فروردین) ۱۳۰۴ در مجلس تصویب شد (لوح فشرده مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پنجم، جلسه صد و چهل و هفتم، یکشنبه نهم حمل ۱۳۰۴). برخی از مفاد ۱۸ گانه این قانون به حوزه تجارت مربوط می‌شد (نک: ساکما، ۲۴۰/۲۶۳۲۷، صص ۱-۶).



گام بعدی حکومت برای سازمان‌دهی اقتصاد تجاری، تصویب قانون تجارت بود. تصویب این قانون طی سه مرحله در ۲۵ دلو (بهمن) ۱۳۰۳، ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ انجام شد. این قانون در ۳۸۷ ماده ذیل هفت باب تصویب شد (نک: مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هجری شمسی، ۱۳۸۸، ج ۱، صص ۸۹-۱۰۹). علاوه بر تصویب قانون تجارت، تصویب نظام‌نامه تأسیس اتاق‌های تجارت از دیگر اقدام‌های مهم برای سازمان‌دهی اقتصاد تجاری ایران بود. تأسیس اتاق‌های تجارت در شهرهای ایران براساس نظام‌نامه پیشنهادی وزارت فلاحت و تجارت و فوائد عامه به هیئت وزراء و تصویب آن در ۸ دی ۱۳۰۴ محقق شد. این نظام‌نامه ۳۵ ماده داشت (نک: ساکما، ۲۹۱۰۰۲۰۳، صص ۲-۱۲).

اقدام بعدی حکومت پهلوی برای سازمان‌دهی اقتصاد تجاری، تسلط بر امور گمرکی و پایان‌دادن به وضعیتی بود که گمرکات کشور از زمان قاجار به آن دچار شده بودند. در راستای تحقق این مهم حکومت از سال ۱۳۰۶ درصد برآمد تا گمرکات کشور را کنترل کند. به‌همین منظور وزارت دربار در ۱۹ اسفند ۱۳۰۶ به وزارت مالیه اعلام کرد که ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ زمان الغای رژیم کاپیتولاسیون و حقوق دول کامله‌الوداد است. براین اساس مقرر شد طرف‌های تجاری ایران تا این تاریخ عهدنامه‌های گمرکی جدیدی با ایران منعقد کنند؛ در غیر این صورت حداکثر تعرفه گمرکی از کالاهای این کشورها اخذ خواهد شد (ساکما، ۱۷/۱۷۰/۲۴۰، ص ۳۷). در پی این درخواست، وزارت مالیه در ۲۷ اسفند ۱۳۰۶ ماده واحده‌ای را برای تصویب به مجلس ارائه کرد و با تعیین حداقل و حداکثر تعرفه‌های گمرکی، از مجلس خواست که به دولت اجازه دهد تا با دول خارجی براساس حداقل و حداکثر تعرفه‌های مقرر، قرارداد گمرکی منعقد کند (ساکما، ۱۷/۱۷۰/۲۴۰، ص ۴۱). مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۰۷ ماده واحده مذکور را با عنوان «قانون تعرفه گمرکی و اجازه انعقاد قراردادهای گمرکی مخصوص با دول خارجه» تصویب و ابلاغ کرد (ساکما، ۲۴۰/۷۵۰۲۰، ص ۱). حکومت پهلوی پس از تصویب این قانون، قراردادهای گمرکی جدیدی با کشورهای طرف تجاری خود مانند بلژیک، هلند، ایتالیا (ساکما، ۱۶۹۸۶/۲۴۰، صص ۹۴-۱۰۹) و آلمان منعقد کرد (ساکما، ۱۶۹۸۷/۲۴۰، ص ۳). با وجود همه اقدام‌های حکومت برای سازمان‌دهی اقتصاد تجاری ایران تا سال ۱۳۰۷، تلاش‌های انجام‌شده در این زمینه ناکام ماند. نشانه این ناکامی را در تداوم کسری موازنه تجاری ایران طی سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۷، به‌استناد آماروارقام موجود در جدول شماره ۲ می‌توان مشاهده کرد.



سال	واردات	صادرات	کسری موازنه
۱۳۰۴	۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۲,۰۰۰,۰۰۰	۳۶,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۰۵	۷۸۵,۰۰۰,۰۰۰	۴۵,۰۰۰,۰۰۰	۳۳۵,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۰۶	۸۱۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۶,۰۰۰,۰۰۰	۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۰۷	۸۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۸,۰۰۰,۰۰۰	۳۴۰,۰۰۰,۰۰۰

جدول ۲

کسری موازنه تجاری ایران طی سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۷ براساس واحد پول قران

این مشکل پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ بود. این بحران نقشی مهم در سیاست‌گذاری‌های حکومت در بخش اقتصاد تجاری ایران ایفا کرد؛ از جمله، تصویب قانون انحصار تجارت خارجی که در ادامه مقاله بررسی می‌شود.

ب. تصویب قانون انحصار تجارت خارجی

پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ اقتصاد تمام مناطق جهان را اعم از جوامع سرمایه‌داری صنعتی (Lee, 1969, pp 139-143) و جوامع توسعه‌نیافته صادرکننده مواد اولیه (Vernon, 1994, pp 850-851) دربر گرفته بود. اقتصاد ایران هم به‌عنوان کشوری توسعه‌نیافته و صادرکننده مواد اولیه از پیامدهای این بحران بی‌تأثیر نبود. پیامدهای این بحران از اواخر سال ۱۳۰۸ به تدریج گریبان‌گیر ایران شد و در سال ۱۳۰۹ بر اقتصاد کشور چیره شد. در همین سال بود که برای نخستین بار، در گزارش‌های رسمی دولتی (نک: ساکما، ۲۴۰۰۱۰۱۵۵، صص ۴-۱۳) و برخی از روزنامه‌ها (نک: روزنامه اطلاعات، سال پنجم، شماره ۱۱۴۴، شنبه ۲ مهر ۱۳۰۹، ص ۱) از پیامدهای این بحران سخن به میان آمد.

همانند سایر جوامع توسعه‌نیافته، نخستین پیامد بحران در اقتصاد ایران کاهش میزان صادرات بود. این کاهش ناشی از سیاست‌های کشورهای صنعتی در واکنش به بحران بود. کاهش تولیدات صنعتی (نک: رونون، ۲۵۳۷، ج ۲، ص ۹) و به‌دنبال آن کاهش تقاضا برای خرید مواد اولیه موردنیاز این صنایع (Raupach, 1969, p80) و همچنین افزایش موانع و تعرفه‌های گمرکی (نک: کلاف و همکاران، ۱۳۶۸، ص ۲۷۸) از جمله سیاست‌های جوامع صنعتی در واکنش به بحران بود که موجب کاهش صدور کالا از جوامع توسعه‌نیافته به جوامع صنعتی و در نتیجه کاهش درآمدهای صادراتی این جوامع شد (نک: تاپپتون و آلدریچ، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۹۷). ایران هم از این قاعده مستثنا نبود و بر اثر این بحران، مشابه سایر جوامع توسعه‌نیافته دچار مشکلاتی شد. نمونه‌ای از این مشکلات را در گزارش‌های روزنامه اطلاعات (سال پنجم، شماره ۱۱۴۴، شنبه ۲ مهر ۱۳۰۹، ص ۱؛ سال ششم، شماره ۱۴۹۲، ۳ شنبه ۲۴ آذر ۱۳۱۰، ص ۱)



مجله تجارت (دوره سوم، شماره ۲۹، اسفند ۱۳۱۰، ص ۲) و مجله اطاق تجارت (سال چهارم، شماره ۵۲، ۱۵ آذر ۱۳۱۱، ص ۲۱) می توان مشاهده کرد.

کاهش صادرات ایران بر اثر این بحران اقتصادی دربرگیرنده همه محصولات و اقلام صادراتی ایران اعم از صنایع دستی، محصولات کشاورزی و دامی بود (نک: مجله اطاق تجارت، سال چهارم، شماره ۵۲، ۱۵ آذر ۱۳۱۱، صص ۱۸-۲۶)؛ به نحوی که میزان کل درآمدهای صادراتی ایران در سال های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ در مقایسه با سال ۱۳۰۷ با کاهشی ملموس مواجه شد. این کاهش را، در احصائیه اداره کل تجارت مندرج در جدول شماره ۳ می توان مشاهده کرد.

جدول ۳

میزان صادرات ایران در سال های ۱۳۰۷-۱۳۰۹
بر حسب ریال.

سال ۱۳۰۷	سال ۱۳۰۸	سال ۱۳۰۹
۴۸۲،۵۵۲،۷۲۷	۴۷۳،۸۵۳،۷۵۸	۴۴۹،۶۴۲،۵۳۴

(مجله اطاق تجارت، سال چهارم، شماره ۵۲، ۱۵ آذر ۱۳۱۱، ص ۲۶)

در نتیجه این بحران حکومت ایران با مشکل کاهش درآمدهای صادراتی مواجه شد. این کاهش درآمد حکومت را ناچار کرد تا از اواخر سال ۱۳۰۹ به مداخله جدی در اقتصاد تجاری بپردازد.

تقریباً از اوایل زمستان سال ۱۳۰۹ روشن شده بود که خواسته اساسی حکومت از مجلس شورای ملی تصویب قانون انحصار دولت بر تجارت خارجی به عنوان یکی از منابع مهم درآمدهای ارزی کشور بود (گل محمدی، ۱۳۸۰، ص نه). باتوجه به این وضعیت، دولت لایحه تصویب قانون انحصار تجارت خارجی را در ۲۴ بهمن ۱۳۰۹ به مجلس ارائه کرد (روزنامه اطلاعات، سال پنجم، شماره ۱۲۶۷، ۴شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۰۹، ص ۱). کلیات لایحه ارائه شده دولت، در ۶ اسفند ۱۳۰۹ در مجلس تصویب شد و مقرر شد تا از تاریخ تصویب این قانون، تجارت خارجی ایران در انحصار دولت قرار گیرد و حق وارد کردن تمام محصولات طبیعی و صنعتی، و تعیین موقتی و یا دائمی میزان صادرات و واردات به دولت واگذار شود و دولت بتواند تا زمان تصویب متمم قانون انحصار تجارت خارجی، از ورود کالاهای خارجی به ایران جلوگیری کند (مجموعه قوانین و مقررات سال های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هجری شمسی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۷۶). مجلس متمم قانون انحصار تجارت خارجی را در ۲۰ اسفند ۱۳۰۹ تصویب کرد. این متمم ۱۸ ماده ای به نظارت و کنترل کامل حکومت بر تجارت خارجی منجر می شد. مهم ترین مواد این متمم عبارت بودند از:

ماده دوم که بر اساس آن وارد کردن هر نوع محصولات طبیعی یا صنعتی خارجی به ایران



مشروط به شرط حتمی صادر کردن محصولات طبیعی یا صنعتی ایران بود. ماده سوم که براساس آن دولت مجاز شد حق وارد کردن محصولاتی را که خودش نمی خواهد مستقیماً عهده دار شود، به وسیله جوازهایی مخصوص و تحت شرایطی معین به اشخاص و یا مؤسسات مختلف تجارتي واگذار کند. طرز تقسیم این جواز بین اشخاص و مؤسسات و میزانی که برای آنها مشخص می شد، مطابق نظام نامه ای بود که به تصویب هیئت دولت می رسید (ضیائی، ۱۳۷۱، ص ۴۲).

ماده پنجم که براساس آن دولت مکلف بود تا همه ساله قبل از اول تیرماه با در نظر گرفتن مدت لازم برای سفارش و حمل اجناس، احتیاجات مملکت را برای اجناس ورودی مشخص کند

ماده یازدهم که براساس آن دولت مکلف می شد موجبات مرغوبیت هریک از محصولات صادراتی از کشور را تهیه کند و معین کند که به چه طرز و ترتیب باید تهیه شود. هم چنین دولت مجاز شد تا از صدور محصولاتی که مطابق نمونه تهیه نشوند و صدور آنها به حُسن شهرت صادرات مملکت لطمه بزند جلوگیری کند.

ماده سیزدهم که براساس آن هر صادرکننده ملزم شده بود تا ظرف مدتی که در موقع صدور تعهد می کند و حداکثر آن هم هشت ماه بود، اَسعار^۱ خارجی خود را به ریال طلا به دولت بفروشد (مجموعه قوانین و مقررات سالهای ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هجری شمسی، ج ۱، صص ۴۷۶-۴۷۸).

تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن پیامدهایی مهم و تأثیرگذار در اقتصاد تجاری ایران داشت. درست است که این قانون، تجارت خارجی را در انحصار دولت قرار می داد، ولی به این نکته باید توجه داشت که پس از ادغام اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی نظام سرمایه داری، تجارت خارجی نه تنها بخش مهمی از اقتصاد تجاری ایران بلکه مهم ترین بخش اقتصاد ایران بود.

انحصار تجارت خارجی توسط دولت پیامدهایی مهم در کل بخش اقتصاد تجاری ایران تا پایان حکومت پهلوی اول در شهریور ۱۳۲۰ داشت؛ این پیامدها در ادامه این مقاله بررسی می شوند.

پ. پیامدهای تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در بخش اقتصاد تجاری ایران (۱۳۱۰-۱۳۲۰)

در حالی که حکومت پهلوی تا سال ۱۳۰۹ به دنبال سازمان دهی اقتصاد تجاری ایران بود، سرایت پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ وضعیت بخش اقتصاد تجاری ایران را به گونه ای رقم زد که

۱. اَسعار (جمع سَعْر): ارزها؛ پول بیگانه.



حکومت ناچار شد تا سیاست سازمان‌دهی اقتصاد تجاری ایران را به نفع سیاست انحصاری کردن اقتصاد تجاری کشور کنار بگذارد. در این میان آنچه زمینه چنین تغییری را فراهم کرد تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن در اسفند ۱۳۰۹ بود. تصویب این قوانین اگرچه با هدف کاهش پیامدهای بحران اقتصادی به ویژه جلوگیری از کاهش درآمدهای صادراتی کشور انجام شد؛ ولی عملاً به افزایش مداخله و تصدی‌گری دولت نه تنها در تجارت خارجی بلکه در کل بخش اقتصاد تجاری ایران انجامید. اجبار واردکنندگان محصولات طبیعی و صنعتی به صادرات محصولات طبیعی و صنعتی از ایران بر اساس ماده دوم، الزام واردکنندگان به دریافت جوازهای وارداتی از اداره جوازهای وارداتی وزارت اقتصاد ملی بر اساس ماده سوم، نظارت دولت بر مرغوبیت کالاهای صادراتی و ممانعت از صدور کالاهای نامرغوب بر اساس ماده یازدهم، و الزام صادرکنندگان به فروش اسعار خارجی حاصل از صادرات به دولت بر اساس ماده سیزدهم از جمله مفاد متمم قانون انحصار تجارت بودند که زمینه را برای افزایش مداخله و تصدی‌گری حکومت در اقتصاد تجاری فراهم می‌کردند.

افزایش نقش و مداخله دولت در تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن پیامدهایی در اقتصاد تجاری داشت که عبارت بودند از:

۱. افزایش انحصارهای دولتی بر منابع تجاری

تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن زمینه‌ساز افزایش مداخله و تصدی‌گری حکومت در بخش اقتصاد تجاری ایران شد. نشانه بارز این مداخله و تصدی‌گری، افزایش انحصارهای دولتی بر خرید و فروش بسیاری از کالاهای تجاری و مبادلاتی بود که پیش از تصویب این قانون آزادانه خرید و فروش می‌شدند. افزایش انحصارهای دولتی بر منابع تجاری نخستین پیامد تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن در بخش اقتصاد تجاری بود. صحت چنین ادعایی با مقایسه میزان انحصارهای دولتی در حوزه اقتصاد تجاری ایران در سال‌های پیش و پس از تصویب قانون انحصار تجارت خارجی بر اساس اسناد و مدارک آرشیوی قابل اثبات است.

به اعتقاد چارلز عیسوی در دوران حکومت پهلوی اول ۲۷ نوع انحصار دولتی در ایران برقرار شد (عیسوی، ۱۳۶۹، ص ۵۹۵). نکته حائز اهمیت، میزان محدود انحصارها در سال‌های پیش از انحصار تجارت خارجی طی سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۹ است. طی این مدت کل انحصارهای دولتی به ۴ عدد محدود ماند. انحصار دولتی قند و شکر و چای مصوب اردیبهشت ۱۳۰۴ (ساکما، ۲۴۰/۶۰۲۶، ص ۱۱)، انحصار دولتی تریاک مصوب تیر ۱۳۰۷ (ساکما، ۲۴۰/۹۴۶۶، ص ۱)، انحصار دولتی دخانیات مصوب اسفند ۱۳۰۸ (ساکما، ۲۹۰/۸۳۶۵، ص ۸)، و انحصار

دولتی تفتیش و نظارت در خرید و فروش اسعار خارجی مصوب اسفند ۱۳۰۸ (مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هجری شمسی، ۱۳۸۸، ج ۱، صص ۴۱۰-۴۱۱) چهار انحصار دولتی پیش از تصویب قانون انحصار تجارت خارجی اند و سایر انحصارهای دولتی در حوزه اقتصاد تجاری ایران مربوط به سال‌های پس از تصویب قانون انحصار تجارت خارجی است. انحصارهای دولتی در کل دوران حاکمیت رضاشاه برخلاف آمار عیسوی و به روایت اسناد (برای نمونه نک: ساکما، ۲۴۰/۱۷۴۷۳، صص ۱-۶۲) بیش از ۲۷ رقم بوده است.

مهم‌ترین انحصارهای دولتی برقرار شده پس از تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در بخش تجاری اقتصادی ایران عبارت‌اند از: انحصار دولتی کبریت مصوب تیر ۱۳۱۰ (ساکما، ۲۴۰/۵۲۶۸، ص ۵)؛ انحصار دولتی صدور مرفین، کوکائین، ساخارین و کنجدیه^۱ مصوب دی ۱۳۱۰ (ساکما، ۲۴۰/۳۶۲۱، ص ۲)؛ انحصار دولتی واردات اوراق بازی مصوب مهر ۱۳۱۳ (ساکما، ۲۴۰/۱۷۴۷۳، ص ۱۸)؛ انحصار دولتی واردات قماش^۲ پنبه مصوب آبان ۱۳۱۳ (ساکما، ۲۴۰/۶۴۸۳، ص ۱)؛ انحصار دولتی صدور زعفران مصوب فروردین ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۴۰/۱۸۲۹۰، ص ۹)؛ انحصار دولتی صدور ابریشم طبیعی مصوب خرداد ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۹۱/۲۱۹۱، ص ۳)؛ انحصار دولتی خرید گندم مصوب تیر ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۴۰/۱۷۴۷۳، ص ۱۸)؛ انحصار دولتی صدور پنبه مصوب شهریور ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۴۰/۷۸۱۶۶، صص ۱-۳)؛ انحصار دولتی صدور برنج مصوب شهریور ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۴۰/۱۳۷۷، ص ۱)؛ انحصار دولتی صدور کف مصوب شهریور ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۴۰/۱۳۷۷، ص ۱۸)؛ انحصار دولتی صدور پوست‌های نمک‌زده و بی‌نمک گوسفند مصوب آبان ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۴۰/۱۳۶۱، ص ۹)؛ انحصار دولتی صدور پشم مصوب آبان ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۹۳/۷۳۸۶۱، ص ۱)؛ انحصار دولتی صدور آغوزه مصوب آذر ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۴۰/۱۳۰۳، ص ۷)؛ انحصار دولتی صدور قالی و قالیچه مصوب دی ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۴۰/۸۱۸۰۶، ص ۳)؛ انحصار دولتی صدور روناس مصوب اردیبهشت ۱۳۱۵ (ساکما، ۲۴۰/۳۲۱۱۹، ص ۲)؛ انحصار دولتی واردات اتومبیل، کامیون، لوازم‌یدکی و لاستیک اتومبیل و کامیون مصوب شهریور ۱۳۱۵ (ساکما، ۲۴۰/۱۷۴۷۳، ص ۶)؛ انحصار دولتی صدور پوست‌های نرم مصوب آبان ۱۳۱۵ (ساکما، ۲۴۰/۹۰۵۶۳، ص ۲)؛ انحصار دولتی صادرات کتیرا مصوب آبان ۱۳۱۵ (ساکما، ۲۴۰/۱۷۴۷۳، ص ۲۱)؛ انحصار دولتی تهیه آرد توسط اداره تثبیت نرخ غله مصوب مهر ۱۳۱۵ (ساکما، ۲۹۱/۶۰۰، ص ۱)؛ انحصار دولتی صدور خشکبار مصوب آبان ۱۳۱۵ (ساکما، ۲۴۰/۴۴۰۵۲، صص ۱-۲)؛ انحصار دولتی صادرات خاکِ سرخ مصوب دی ۱۳۱۵ (ساکما، ۲۴۰/۱۵۲۷۸، ص ۵)؛ انحصار دولتی صادرات خرما مصوب خرداد ۱۳۱۶ (ساکما، ۲۴۰/۱۸۴۴۰، ص ۱)؛ انحصار دولتی تهیه و خرید و فروش تخم نوغان و پبله مصوب خرداد ۱۳۱۶ (ساکما، ۲۹۱/۱۴۵۶، ص ۳)؛ انحصار دولتی تهیه و فروش سیگار مصوب آذر

۱. صمغ درخت خاردار است با سفیدرنگ و طعم تلخ مخلوط با کمی شیرینی که برگ آن شبیه برگ درخت کندر است و در فارس می‌روید.

۲. پارچه



۱۳۱۶ (ساکما، ۲۴۰/۲۲۹۷۴، ص ۲) و انحصار دولتی واردات اسلحه و فشنگ مصوب بهمن ۱۳۱۶ (ساکما، ۲۴۰/۱۳۵۷۶، ص ۱).

برقراری حق انحصاری دولت در خرید و فروش و صادرات و واردات کالاهای مذکور نشانه اراده حکومت برای انحصار کامل بر منابع تجاری ایران بود. ولی به دلیل وجود محدودیت‌های دولت در کنترل همه‌جانبه بر اقتصاد تجاری ایران چنین انحصاری کامل محقق نشد. وجود این محدودیت‌ها حکومت را ناچار به تأسیس شرکت‌های سهامی تخصصی صادرات و واردات انحصاری کالا کرد.

تلاش حکومت برای تشکیل این شرکت‌های سهامی دومین پیامد تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن در بخش اقتصاد تجاری ایران بود که در ادامه این مقاله بررسی می‌شود.

۲. شکل‌گیری شرکت‌های سهامی تخصصی صادرات و واردات کالاهای انحصاری

دولت در اجرای قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن با محدودیت‌هایی مواجه بود. کمبود سرمایه برای خرید و تهیه محصولات انحصاری صادراتی و کمبود ارز برای خرید کالاهای انحصاری وارداتی یکی از محدودیت‌های پیش‌روی حکومت برای تحقق عملی قانون انحصار تجارت خارجی بود. این کمبود سرمایه در پی کاهش درآمدهای حکومت بر اثر پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ ایجاد شده بود.

در پی این وضعیت، تشکیل شرکت‌های سهامی به ضرورتی برای کسب سرمایه و به الزامی برای تحقق و عملی کردن قانون انحصار تجارت خارجی تبدیل شد. متأثر از این الزام مقاله‌ای در مجله مهر با عنوان «مسائل جاری اقتصادی» چاپ شد که در آن پس از معرفی شرکت‌های هفت‌گانه تجاری مورد تأیید قانون تجارت، شرکت‌های سهامی به دلیل نیاز فعالیت‌های تجاری جدید به سرمایه‌های زیاد بهترین نوع شرکت‌های تجاری برای اقتصاد تجاری ایران معرفی شدند (مجله مهر، سال اول، شماره ۶، آبان ۱۳۱۲، صص ۴۶۵-۴۶۸).

بر پایه چنین الزامی حکومت پهلوی در صدد برآمد تا از طریق وزارت مالیه شرکت‌های سهامی تخصصی صادرات و واردات کالا با سرمایه‌های مشخص تشکیل دهد و سهام این شرکت‌ها را به تجار و صاحبان سرمایه‌های مالی بفروشد. برای نمونه وزارت مالیه سهام این شرکت‌ها را فروخت: سهام شرکت سهامی انحصار صدور تریاک به میزان بیست میلیون ریال در چهارصد سهم پنجاه هزار ریالی (ساکما، ۲۴۰/۸۶۷۶۸، ص ۲)؛ سهام شرکت سهامی برنج به میزان ده میلیون ریال در ده هزار سهم یک‌هزار ریالی (ساکما، ۲۴۰/۲۰۸۳۷، ص ۱)؛ سهام شرکت سهامی مرکزی به میزان شصت میلیون ریال در شصت هزار سهم یک‌هزار ریالی (ساکما،

۹۳۴۹۸/۲۴۰، ص ۱)؛ سهام شرکت سهامی پنبه و پشم و پوست به میزان چهل میلیون ریال در چهل هزار سهم یک هزار ریالی (ساکما، ۹۶۵۴۳/۲۴۰، ص ۲)؛ سهام شرکت سهامی قند و شکر و کبریت به میزان سی میلیون ریال در سی هزار سهم یک هزار ریالی (ساکما، ۸۶۷۶۰/۲۴۰، ص ۱)؛ و سهام شرکت سهامی توتون به میزان سی میلیون ریال در سی هزار سهم یک هزار ریالی (ساکما، ۱۶۵۳۸/۲۴۰، ص ۲).

یکی از اهداف تصویب قانون انحصار تجارت خارجی کسب درآمدهای ارزی بیشتر از طریق صادرات کالاهای ایران به بازارهای جهانی بود؛ ولی کیفیت بد محصولات صادراتی که عمدتاً مواد اولیه کشاورزی و دامی بودند مانع از تحقق این هدف شد.

تا پیش از تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن صدور کالا و محصولات تجاری بی کیفیت با اکتفا به حداقل سود از جانب تجار ایرانی یکی از مشکلات بزرگ اقتصاد تجاری ایران بود؛ موضوعی که در نشریات آن زمان هم از آن انتقاد می شد. مجله راهنمای تجاری ایران عصر حدید از کیفیت بد صادرات خشکبار و پنبه، (شماره سوم، فروردین ۱۳۰۷، صص ۱۶-۱۸)؛ روزنامه شفق سرخ از کیفیت بد صادرات میوه و خشکبار (شماره ۱۰۱۷، یکشنبه ۷ مرداد ۱۳۰۷، ص ۱) و مجله اطاق تجارت از وجود شن، سنگ، خاک و معایب در صادرات محصولات ایرانی که سبب کاهش فوق العاده قدر و قیمت آنها شده بود (سال اول، شماره اول، آبان ۱۳۰۸، ص ۲۵) انتقاد کردند.

در چنین وضعیتی برای حکومت پهلوی تهیه کالاهای مرغوب صادراتی بر اساس ماده یازدهم متمم قانون انحصار تجارت خارجی موضوعی ضروری بود. در راستای احساس چنین ضرورتی بود که مجله اطاق تجارت با استناد به ماده یازدهم متمم قانون انحصار تجارت خارجی در مقاله‌ای با عنوان «شرکت صادرات ایران» با گزارش وضعیت بد کیفیت محصولات صادراتی ایران و نقش تجار ایرانی در آن، بر لزوم تأسیس شرکت‌های سهامی صادراتی با هدف نظارت دولت بر عملکرد این شرکت‌ها برای بهبود کیفیت صادرات محصولات ایرانی تأکید کرد (مجله اطاق تجارت، سال سوم، شماره ۳۶-۳۷، ۱۵ دوم فروردین ماه - اول اردیبهشت ۱۳۱۱، صص ۱۰-۱۳).

بر پایه چنین الزام و ضرورت‌هایی و با توجه به محدودیت‌های حکومت، وظیفه صدور کالاهای با کیفیت ایرانی به شرکت‌های سهامی انحصاری صادرات کالاهای ایرانی واگذار شد. این شرکت‌ها موظف بودند که هر کدام به صورت تخصصی کالایی خاص را صادر کنند. برای نمونه در بخشنامه و آگاداری حق انحصاری صادرات کتیرا به شرکت سهامی صادرات کل کتیرای ایران بر لزوم مراقبت این شرکت از حسن صادرات و باربندی کتیرا تأکید شده بود (ساکما، ۸۲۴۹۵/۲۴۰، ص ۳۷). هم چنین شرکت سهامی خشکبار ایران به عنوان صادرکننده انحصاری این



کالا (ساکما، ۲۹۱/۲۱۶۷، ص ۷) و شرکت سهامی پنبه و پشم و پوست نیز به عنوان صادرکننده انحصاری پنبه (ساکما، ۲۴۰/۲۱۶۱۹، ص ۶) موظف شدند تا برای کسب درآمدهای ارزی بیشتر کالاهای باکیفیت صادر کنند.

برپایه چنین الزامها و محدودیت‌هایی، پس از تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن، حکومت ناچار شد شرکت‌های سهامی تخصصی صادرات و واردات کالا تأسیس کند و حق انحصاری صادرات و واردات کالا را به این شرکت‌های سهامی واگذار کند. واگذاری حق انحصاری صادرات و واردات کالا به این شرکت‌ها برپایه اساس نامه‌ای انجام می‌شد که برای هر شرکت سهامی تدوین می‌شد. اساس نامه تمام شرکت‌های سهامی شامل پنج فصل بود: فصل اول درباره اسم، موضوع، و مرکز اصلی شرکت؛ فصل دوم درباره سرمایه شرکت؛ فصل سوم درباره تشکیلات شرکت که مشتمل بود بر الف: مجمع عمومی، ب: هیئت مدیره و ج: هیئت تفتیش؛ فصل چهارم درباره محاسبات سالیانه و منافع شرکت؛ و فصل پنجم درباره انحلال و تصفیه حساب شرکت.

اساس نامه شرکت‌های سهامی برپایه همین فصول کلی پنج‌گانه تدوین شد و براساس آن خریدوفروش و صادرات و واردات کالاهای انحصاری به شرکت‌های سهامی واگذار شد. براین اساس، این حقوق به این شرکت‌ها واگذار شد: حق خریدوفروش قند، شکر و کبریت به شرکت سهامی قند، شکر و کبریت (ساکما، ۲۴۰/۸۶۷۶۰، ص ۱)؛ حق خرید تریاک داخلی و صادرات آن به شرکت سهامی انحصاری تریاک (ساکما، ۲۴۰/۸۶۷۶۸، ص ۲)؛ حق خرید، فروش و صدور پنبه، پشم و پوست به شرکت سهامی پنبه و پشم و پوست (ساکما، ۲۴۰/۹۶۵۴۳، ص ۱)؛ حق انحصار صادرات کنف به شرکت سهامی پنبه و پشم و پوست (ساکما، ۲۴۰/۱۳۷۷، ص ۹)؛ حق خریدوفروش و صدور انحصاری برنج به شرکت سهامی برنج (ساکما، ۲۴۰/۲۰۸۳۷، ص ۱)؛ حق صدور انحصاری کتیرا به شرکت سهامی صادرات کل کتیرای ایران (ساکما، ۲۴۰/۹۳۴۹۸، ص ۸۶)؛ حق ترویج کشت و حق خریدوفروش توتون در بازارهای داخلی و خارجی به شرکت سهامی توتون (ساکما، ۲۴۰/۱۶۵۳۸، ص ۵)؛ حق خریدوفروش و صدور فرش به شرکت سهامی فرش (ساکما، ۲۴۰/۱۶۵۳۴، ص ۲)؛ حق خرید و صدور آغوزه به شرکت سهامی آغوزه (ساکما، ۲۴۰/۲۹۸/۲۴۴۸، ص ۱۲)؛ حق انحصاری خرید و صادرات روناس به شرکت سهامی آغوزه (ساکما، ۲۴۰/۳۲۱۱۹، ص ۱)؛ حق انحصاری خریدوفروش و صدور خشکبار به شرکت سهامی صادرات خشکبار ایران (ساکما، ۲۹۳/۳۱۶۰۲، ص ۳)؛ حق انحصاری خریدوفروش نوغان به شرکت سهامی نوغان ایران (ساکما، ۲۴۰/۹۵۸۳۱، ص ۱)؛ حق انحصاری واردات اتومبیل، لاستیک و لوازم‌یدکی آن به شرکت سهامی مرکزی (ساکما، ۲۴۰/۷۰۳۳۲، ص ۴)؛ حق انحصاری واردات و خریدوفروش قماش پنبه‌ای به شرکت سهامی

قماش (ساکما، ۲۴۰/۸۶۷۶۱، ص ۱)؛ حق انحصاری صادرات زعفران به شرکت سهامی کالای ایران (ساکما، ۲۴۰/۱۳۶۲، ص ۲)؛ حق انحصاری خرید، تعیین قیمت و فروش گندم به شرکت سهامی تثبیت نرخ غله (ساکما، ۲۴۰/۴۵۵۰۹، ص ۱)؛ و حق انحصار صادرات پوست‌های نرم به شرکت سهامی صادرات کل پوست‌های نرم (ساکما، ۲۴۰/۹۰۵۶۳، ص ۲).

واگذاری حق انحصاری و تخصصی صادرات و واردات کالا به شرکت‌های سهامی گامی مهم در به‌حاشیه‌راندن هرچه‌بیشتر اتاق‌های تجارت در عصر پهلوی اول بود. حکومت پهلوی اگرچه از دی ۱۳۰۴ به‌دنبال تأسیس اتاق‌های تجارت در شهرهای ایران بود، ولی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور نقشی محدود برای آن در نظر گرفته بود. تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در حوزه اقتصاد تجاری ایران برعهده اداره کل تجارت بود و به اتاق‌های تجارت نقش مشورتی داده شده بود. انتصاب یک‌سوم تجار عضو اتاق‌های تجارت هر شهر توسط حکومت، و الزام حضور نماینده اداره کل تجارت در جلسات اتاق تجارت شهرها (ترابی فارسانی، ۱۳۹۲، ص ۲۹۷) از جمله عوامل مؤثر بر ایفای نقش محدود اتاق‌های تجارت در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور بود. ادامه این نقش محدود با تأسیس شرکت‌های سهامی محدودتر هم شد. در پی این وضعیت بود که حکومت در خرداد ۱۳۱۴ اتاق‌های تجارت شهرهای کشور را منحل کرد و تنها به اتاق‌های تجارت در ۱۶ منطقه تجاری کشور اجازه فعالیت داد (ترابی فارسانی، ۱۳۹۲، ص ۲۷۹).

واگذاری حق انحصاری و تخصصی صادرات و واردات کالا به شرکت‌های سهامی، اتاق‌های تجارت را در اقتصاد تجاری ایران بیشتر به حاشیه راند؛ ولی این واگذاری به‌منزله واگذاری اختیار نامحدود به شرکت‌های سهامی نبود تا بتواند کالاهای تخصصی صادراتی و وارداتی را براساس میزان تمایلات تجاری خود به کشوری صادر و یا از کشوری وارد کنند. محدودیت‌هایی که براساس مواد دوم و سیزدهم متمم قانون انحصار تجارت خارجی به‌وجود آمده بود، شرکت‌های سهامی را در انتخاب میزان واردات و صادرات کالاها و مقصد صادرات و مبدأ واردات کالاها محدود می‌کرد. براساس ماده دوم، واردکنندگان محصولات طبیعی و صنعتی به صادرات محصولات طبیعی و صنعتی از ایران ملزم بودند. براساس ماده سیزدهم، صادرکنندگان به سپردن تعهدی مبنی بر فروش اسعار خارجی حاصل از صادرات به دولت طی مدت هشت ماه ملزم شدند. برپایه چنین الزاماتی نقش حکومت در تعیین میزان صادرات و واردات و مهم‌تر از آن مقصد کالاهای صادراتی و مبدأ کالاهای وارداتی پررنگ شد. این نقش‌آفرینی زمینه‌سومین پیامد تصویب قانون انحصار تجارت خارجی یعنی گرایش حکومت ایران به مبادلات تجاری پایاپای با طرف‌های تجاری خارجی را فراهم کرد.



۳. گرایش به مبادلات تجاری پایاپای

گرایش حکومت ایران به مبادلات تجاری پایاپای از نتایج مهم تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن بود. همان‌گونه که پیش‌تر نیز به آن اشاره شد حکومت پهلوی با تصویب متمم قانون انحصار تجارت خارجی، علاوه بر نقش آفرینی در تعیین میزان صادرات، در تعیین مقصد کالاهای صادراتی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای پیدا کرد. در نتیجه این نقش آفرینی زمینه‌های برقراری روابط تجاری پایاپای میان ایران و آلمان نازی از سال ۱۳۱۳ فراهم شد. پس از روی کار آمدن رژیم نازی در آلمان تأمین مواد اولیه به مهم‌ترین اولویت در سیاست اقتصادی این رژیم تبدیل شد (Craig, 1981, p606). حکومت نازی براساس همین اولویت درصدد برقراری مبادلات تجاری پایاپای برپایه پیشنهاد دکتر شاخساز وزیر اقتصاد این کشور برآمد (pulzer, 1997, p145). این موضوع موجب شد تا ایران به‌عنوان کشور تولیدکننده مواد اولیه مورد توجه سران رژیم نازی قرار گیرد. در سوی دیگر، ایران هم در نتیجه بحران اقتصادی ۱۹۲۹ با کاهش درآمد و مشکلات ارزی مواجه شده بود که نتیجه مستقیم آن کاهش قدرت خرید کالاهای ساخته‌شده مصرفی بود. براساس این نیازهای متقابل نخستین گام برای برقراری مناسبات اقتصادی از سوی آلمان توسط آلفرد روزنبرگ،^۱ رئیس دفتر امور سیاست خارجی حزب نازی برداشته شد و دفتر او با همکاری چند شرکت آلمانی به اقداماتی برای گسترش روابط تجاری با ایران دست زد (پیرا، ۱۳۷۹، ص ۲۴۹).

در پی این اقدام، حکومت ایران هیئتی را در مرداد ۱۳۱۴ به برلین اعزام کرد. هیئت ایرانی پس از چند ماه مذاکره با هیئت مذاکره‌کننده آلمانی که اعضای اصلی آن را دکتر شاخساز وزیر اقتصاد و دکتر ولتات مدیرکل وزارت اقتصاد ملی تشکیل می‌دادند (ساکما، ۱۹۱۸۳/۲۴۰۰، ص ۹۱) قرارداد تسویه محاسبات تجاری ایران و آلمان را در آبان ۱۳۱۴ در بیست ماده امضاء کرد. براساس ماده دوم این قرارداد مقرر شد تا پرداخت‌های تجاری میان دو کشور یا از طریق تهاتری بین صندوق تهاتری آلمان و بانک ملی ایران و یا از راه حساب‌های تهاتری خصوصی تسویه شود (ساکما، ۲۴۰۰/۲۰۶۸۷، ص ۱۱۴).

پس از انعقاد این قرارداد حضور هیئت ایرانی در آلمان برای توسعه و تحکیم روابط تجاری با این کشور نه ماه دیگر ادامه پیدا کرد (مسعود انصاری، ۱۳۵۱، ص ۳۲۱). انعقاد پروتکل محرمانه مبادلات تجاری ایران و آلمان در بهمن ۱۳۱۴ نتیجه فعالیت‌های اعضای این هیئت بود. ماده اول این پروتکل اجازه می‌داد تا اجناس آلمانی طبق صورت رسمی سهمیه آزاد وارد ایران شود. در مقابل و براساس ماده دوم پروتکل، دولت آلمان به صورت نامحدود اجازه می‌داد تا اجناس ایرانی به آلمان وارد شود (ساکما، ۲۴۰۰/۱۲۰۲۳، صص ۵-۶).

1. Alfred Rosenberg.

قرارداد تسویه محاسبات تجاری ایران و آلمان که زمینه‌ساز ایجاد مبادله پایاپای میان دو



کشور شده بود، به الگویی در تجارت با کشورهای و کمپانی‌های خارجی تبدیل شد. پروتکل‌های محرمانه تجاری میان ایران و آلمان براساس الگوی سال ۱۳۱۴ در سال‌های ۱۳۱۷ (ساکما، ۲۴۰۰۱۲۰۲۲، صص ۶-۹) و ۱۳۱۸ (ساکما، ۲۴۰۰۲۲۱۴۸، صص ۵-۱۰) تمدید شد. برپایه همین الگو با فلسطین در سال ۱۳۱۵، (ساکما، ۲۴۰/۱۴۱۸۳، صص ۱-۱۸) با سوئیس در سال ۱۳۱۶ (ساکما، ۲۴۰/۳۲۲۹۴، صص ۱-۶) و با ایتالیا در سال ۱۳۱۹ (ساکما، ۲۴۰/۳۸۰۹۶، صص ۱-۲۶) قراردادهای تجاری پایاپای منعقد شد. هم‌چنین در فروردین ۱۳۱۹ قرارداد تجاری پایاپای میان ایران و شوروی با عنوان «قرارداد بازرگانی و بحریمایی ایران و شوروی» منعقد شد که براساس بندهای اول و سوم ماده نهم این قرارداد مقرر شد دو کشور براساس سهمیه‌ای که در اول هر سال مقرر می‌کنند به مبادله کالا با یکدیگر بپردازند (ساکما، ۲۴۰/۸۲۹۹، صص ۶). در بند سوم ماده نهم هم مقرر شده بود تا میزان واردات و صادرات دو کشور به یکدیگر براساس واحد پولی ریال، در یک سال تجاری به‌میزان مساوی باشد (ساکما، ۲۴۰/۸۲۹۹، صص ۷).

علاوه بر کشورهای طرف تجاری ایران، مبادله تجاری با کمپانی‌های خارجی نیز براساس مبادله پایاپای انجام می‌شد. یکی از این قراردادهای تجاری پایاپای در فروردین ۱۳۱۵ میان وزارت مالیه ایران و کنسرسیوم شرکت‌های آلمانی به رهبری شرکت فروشتال به ارزش هشتاد میلیون مارک امضاء شد (ساکما، ۲۴۰۰۱۵۵۸۰، صص ۱۰). براساس این قرارداد شرکت فروشتال که رهبری کنسرسیوم را برعهده داشت به تحویل و نصب چند کارخانه از قبیل کارخانه نساجی، بافندگی، سیمان، برنج‌پاک‌کنی، کفش‌سازی و... به ایران متعهد شد. در مقابل دولت ایران هم متعهد شد برای پرداخت بهای این کارخانه‌ها که هشتاد میلیون مارک بود، در هفت قسط طی سال‌های ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۳، کالاهای ایرانی مانند پنبه، برنج، توتون سیگار، غلات [روغنی] و میوه‌جات روغنی به کنسرسیوم شرکت‌های آلمانی تحویل دهد (ساکما، ۲۴۰۰۱۲۰۳۵، صص ۲-۸).

در کنار معاملاتی که از طریق کنسرسیوم انجام می‌شد، شرکت‌های آلمانی نیز هر یک به‌صورت جداگانه و خارج از چارچوب مبادلات کنسرسیوم درصد مبادله تجاری پایاپای با ایران برآمدند. برای نمونه در شهریور ۱۳۱۶ شرکت آلمانی اشکودا طی قراردادی جداگانه با وزارت جنگ ایران پیشنهاد مبادله کارخانه برنج با کتیرای ایران را مطرح کرد (ساکما، ۲۴۰۰۲۰۸۸۷، صص ۱). در قراردادی میان دو طرف مقرر شد تا شرکت اشکودا درازای صدور کارخانه برنج‌پاک‌کنی به ایران ۲۰۴۰ کیلو کتیرا از طریق گمرک بوشهر و ۱۵۹ تخته‌قالی از گمرک تبریز به آلمان روانه کند (ساکما، ۲۴۰۰۰۷۵۹، صص ۴۵-۵۶).

علاوه بر کمپانی‌های آلمان، کمپانی‌های تجاری برخی کشورهای دیگر هم به دلیل تمایل ایران به مبادله تجاری پایاپای ناچار شدند چنین شکلی از مبادله تجاری را با ایران پیش گیرند.

۱. منظور از غلات در این‌جا دانه است. غلات و میوه‌جات روغنی: انواع دانه‌های روغنی و میوه‌های روغنی. امروزه بیشتر اصطلاح دانه‌های روغنی مرسوم است. ولی از اصطلاح غلات روغنی هم استفاده می‌شود.

2. Skoda.



در سال ۱۳۱۵ یک شرکت تجاری ترکیه با نام شوشتر تقاضای خود را برای مبادلهٔ فرش ایران با کالاهای سوئیسی به وزارت اقتصاد و دارائی ارائه کرد (ساکما، ۱۳۷۹/۲۴۰، ص ۱). در آذر ۱۳۱۹ قراردادی میان اداره کل معاملات خارجی وزارت دارائی با کمپانی میتسوئی بوسان ژاپن منعقد شد که براساس آن مقرر شد تا وزارت دارائی درازای دریافت ۵۴۱۶ صندوق کبریت ژاپنی به ارزش ۴۳۳۲۵ دلار، کتیرا از جانب شرکت سهامی صادرات کل کتیرا به این شرکت پرداخت کند (ساکما، ۱۳۷۹/۲۴۰، ص ۳). در شهریور ۱۳۲۰ شرکت تاشان آمریکا تقاضای خود را برای مبادلهٔ کالاهای مورد نیاز ایران با کالاهای صادراتی ایرانی مانند رودهٔ گوسفند، پوست‌های نرم، پسته، مغز گردو و بادام، کتیرا و فرش‌های دست‌بافت به اداره کل معاملات خارجی وزارت اقتصاد و دارائی ارائه کرد (ساکما، ۱۳۷۹/۲۴۰، ص ۴).

انعقاد چنین قراردادهایی نشانهٔ تمایل ایران به مبادلهٔ تجاری پایاپای بود. چنین تمایلی نتیجهٔ برقراری روابط تجاری پایاپای با آلمان نازی در پی الزام‌هایی بود که با تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن ایجاد شده بود. در چنین وضعیتی آلمان و کمپانی‌های تجاری آن - به‌عنوان تنها کشور متمایل به مبادلهٔ همه‌جانبهٔ تجاری پایاپای - به بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران تبدیل شدند. مبادلهٔ تجاری پایاپای با آلمان اگرچه از سال ۱۳۱۴ اولویت نخست سیاست‌گذاران اقتصادی ایران در عرصهٔ تجارت خارجی بود، ولی شروع جنگ جهانی دوم چالشی بزرگ در تداوم این سیاست ایجاد کرد. این چالش ناشی از قطع روابط تجاری میان آلمان و ایران به‌علت محاصرهٔ دریایی آلمان توسط انگلیس بود.

نگرانی از قطع ارتباط با آلمان باتوجه‌به نیاز شدید اقتصادی ایران به این کشور، از ابتدای وقوع جنگ وجود داشت. وزیر اقتصاد در یکی از جلسات هیئت دولت در مهر ۱۳۱۸ دربارهٔ این نگرانی گزارشی ارائه داد. او پیشنهاد داد تا برای رفع مشکلات احتمالی پیش‌رو، کشورهای ایتالیا، آمریکا، و ژاپن به‌عنوان شریک اقتصادی و طرف اول مبادلات تجاری و صنعتی ایران جایگزین آلمان شوند (الهی، ۱۳۶۷، ص ۷۱). چنین پیشنهادی به‌دلیل نیاز و اجبار ایران به مبادلات تجاری پایاپای تا زمان حملهٔ آلمان به شوروی به‌صورت جدی پیگیری نشد. همین موضوع اصلی‌ترین عامل شکست تلاش‌های ایران برای برقراری روابط تجاری با انگلستان (سپهر، ۲۵۳۵، ص ۳۶) و ایالات متحدهٔ آمریکا (آوری، بی تا، ص ۱۷۸) پس از آغاز جنگ جهانی دوم بود.

الزام به ادامهٔ روابط تجاری پایاپای، تا اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ ادامه پیدا کرد؛ ولی این وضعیت پس از اشغال ایران تغییر کرد. اقتصاد تجاری ایران پس از اشغال کشور به‌دست نیروهای متفقین، مرحله‌ای جدید را آغاز کرد. این مرحلهٔ جدید اقتصاد تجاری ایران با وضعیت اقتصاد تجاری کشور در سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ - که مناسبات حاکم بر آن از پیامدهای تصویب قانون انحصار تجارت خارجی بود - تفاوت اساسی داشت.

1. Mitsui Busan

2. Tatian



نتیجه

بازدهی کم اقتصاد تجاری ایران و کسری موازنه تجاری ناشی از آن در آستانه به قدرت رسیدن رضاخان موجب شد تا سامان‌دهی اقتصاد تجاری به یکی از سیاست‌های اقتصادی حکومت پس از به قدرت رسیدن رضاشاه تبدیل شود. این سیاست به ایجاد برخی نهادها مانند اتاق تجارت و فراهم شدن بسترهای قانونی توسعه تجارت مانند تصویب قانون علامات تجاری، قانون تجارت و تصویب قانون تعرفه‌های گمرکی و حذف کاپیتولاسیون تا سال ۱۳۰۷ انجامید، ولی سبب رفع کسری موازنه تجاری نشد.

در چنین وضعیتی بود که پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ گریبان‌گیر اقتصاد تجاری ایران شد و کاهش درآمد و کسری موازنه تشدید شد. حکومت پهلوی برای مقابله با پیامدهای این بحران، قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن را در اسفند ۱۳۰۹ تصویب کرد. تصویب این قانون که با هدف مقابله با پیامدهای بحران ۱۹۲۹ و کسب درآمدهای ارزی بیشتر از تجارت خارجی انجام شد، پیامدهایی مهم در بخش اقتصاد تجاری ایران داشت. پیامد اصلی تصویب قانون انحصار تجارت خارجی افزایش مداخله و تصدی‌گری حکومت در اقتصاد تجاری ایران بود. این مداخله و تصدی‌گری بیش از هر چیز متأثر از مواد دوم، سوم، یازدهم و سیزدهم متمم قانون انحصار تجارت خارجی بود.

براین اساس از سال ۱۳۱۰ حکومت پهلوی اول تلاش‌های خود را در راستای تحقق اهداف قانون انحصار تجارت خارجی از جمله نقش تصدی‌گرانه دولت در اقتصاد تجاری آغاز کرد. تلاش برای تحقق این موضوع، به مدت یک دهه پیامدهای سه‌گانه مهمی در اقتصاد تجاری ایران داشت. افزایش تعداد انحصارهای دولتی از ۴ انحصار در حوزه اقتصاد تجاری طی سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۹ به ۳۰ انحصار طی سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰، اولین پیامد تصویب قانون انحصار تجارت خارجی بود.

تحقق عملی حق انحصاری واردات و صادرات کالا در حوزه اقتصاد تجاری با دو اشکال جدی مواجه بود. مشکل اول ناشی از کمبود سرمایه برای خرید کالاهای وارداتی و صادراتی بود و مشکل دوم نانوایی در صدور محصولات باکیفیت بود که در ماده یازدهم متمم قانون انحصار تجارت خارجی هم بر رفع آن تأکید شده بود. در راستای رفع چنین مشکلاتی حکومت به تأسیس شرکت‌های سهامی صادرات و واردات کالا و فروش سهام این شرکت‌ها به صاحبان سرمایه‌های مالی دست زد. در چنین وضعیتی شرکت‌های سهامی که وزارت مالیه طبق اساس‌نامه‌های واحد مسئول تأسیس آن‌ها بود، به‌عنوان دومین پیامد تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن در اقتصاد تجاری ایران سر برآوردند.

تشکیل شرکت‌های سهامی به معنی استقلال این شرکت‌ها در صادرات و واردات کالاهای



انحصاری نبود. متمم قانون انحصار تجارت خارجی - به ویژه ماده دوم آن - واردات کالا به کشور را به شرط حتمی صادرات کالاهای ایرانی مساوی با ارزش کالاهای وارداتی منوط کرده بود. این قانون زمینه را برای مداخله و تعیین تکلیف جدی حکومت برای تعیین مقصد کالاهای صادراتی و مبدأ کالاهای وارداتی فراهم می کرد. متأثر از همین موضوع بود که ایران پس از انعقاد قرارداد تسویه محاسبات تجاری با آلمان نازی در سال ۱۳۱۴، روابط وسیع تجاری خود را با این کشور بر پایه مبادلات تجاری پایاپای برقرار کرد. در این روش، کالاهای ایرانی که بیشتر مواد اولیه کشاورزی و دامی بودند، به شکل پایاپای با کالاهای ساخته شده آلمانی مبادله می شدند. این شیوه مبادلاتی که سومین پیامد تصویب قانون انحصار تجارت خارجی بود تا شهریور ۱۳۲۰ شیوه اصلی مبادله تجاری ایران با کشورهای و کمپانی های تجاری خارجی شده بود. این وضعیت با اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ دگرگون شد و وضعیتی جدید شروع شد.

بررسی وضعیت اقتصاد تجاری ایران در دوره اشغال کشور در جنگ جهانی دوم و هم چنین سرنوشت انحصارهای دولتی، شرکت های سهامی و قراردادهای مبادلات تجاری پایاپای ایران در دوران اشغال ایران، پیشنهاد نویسنده مقاله حاضر برای پژوهش های آتی است.

منابع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):

۲۴۰/۶۰۲۶؛ ۲۴۰/۵۲۶۸؛ ۲۴۰/۱۳۶۲؛ ۲۴۰/۱۳۶۱؛ ۲۴۰/۱۳۰۳؛ ۲۴۰/۳۶۲۱؛ ۲۴۰/۱۳۷۷؛ ۹۶/۲۹۸/۲۴۴۸
۲۴۰/۱۶۵۳۴؛ ۲۴۰/۱۵۲۷۸؛ ۲۴۰/۱۴۱۸۳؛ ۲۴۰/۱۳۷۹۰؛ ۲۴۰/۱۳۵۷۶؛ ۲۴۰/۹۴۶۶؛ ۲۴۰/۸۲۹۹؛ ۲۴۰/۶۴۸۳
۲۴۰/۱۸۴۴۰؛ ۲۴۰/۱۸۲۹۰؛ ۲۴۰/۱۷۴۷۳؛ ۲۴۰/۱۷۰۱۷؛ ۲۴۰/۱۶۹۸۷؛ ۲۴۰/۱۶۹۸۶؛ ۲۴۰/۱۶۵۳۸
۲۴۰/۴۴۰۵۲؛ ۲۴۰/۳۸۰۹۶؛ ۲۴۰/۳۲۲۹۴؛ ۲۴۰/۳۲۱۱۹؛ ۲۴۰/۲۲۹۷۴؛ ۲۴۰/۲۱۶۱۹؛ ۲۴۰/۲۰۸۳۷
۲۴۰/۷۸۱۶۶؛ ۲۴۰/۷۵۰۲۰؛ ۲۴۰/۷۰۳۳۲؛ ۲۴۰/۵۲۲۷۹؛ ۲۴۰/۴۹۲۶۹؛ ۲۴۰/۴۸۵۴۶؛ ۲۴۰/۴۵۵۰۹
۲۴۰/۹۳۴۹۸؛ ۲۴۰/۹۰۵۶۳؛ ۲۴۰/۸۶۷۶۸؛ ۲۴۰/۸۶۷۶۱؛ ۲۴۰/۸۶۷۶۰؛ ۲۴۰/۸۲۴۹۵؛ ۲۴۰/۸۱۸۰۶
۲۹۳/۳۱۶۰۲؛ ۲۹۱/۲۱۹۱؛ ۲۹۱/۲۱۶۷؛ ۲۹۱/۱۴۵۶؛ ۲۹۱/۶۰۰؛ ۲۹۰/۸۳۶۵؛ ۲۴۰/۹۶۵۴۳؛ ۲۴۰/۹۵۸۳۱
۲۴۰۰۱۲۰۲۲؛ ۲۴۰۰۱۰۱۵۵؛ ۲۴۰۰۰۵۳۹۳؛ ۲۴۰۰۰۳۶۱۴؛ ۲۴۰۰۰۰۷۵۹؛ ۲۹۱۰۰۲۰۳؛ ۲۹۳/۷۳۸۶۱
۲۴۰۰۲۲۱۴۸؛ ۲۴۰۰۲۰۸۸۷؛ ۲۴۰۰۲۰۶۸۷؛ ۲۴۰۰۱۹۱۸۳؛ ۲۴۰۰۱۵۵۸۰؛ ۲۴۰۰۱۲۰۳۵؛ ۲۴۰۰۱۲۰۲۳

کتاب

آوری، پیترو. (بی تا). *تاریخ معاصر ایران*. (ج ۲). (محمد رفیعی مهرآبادی، مترجم). تهران: مطبوعاتی الهی، همایون. (۱۳۶۷). *امپریالیسم و عقب ماندگی*. تهران: شرکت آموزشی، فرهنگی و انتشاراتی اندیشه.



- اورس، تیلمان. (۱۳۶۲). *ماهیت دولت در جهان سوم*. (بهر روز توانمند، مترجم). تهران: مؤسسه آگه.
- باربر، جیمز؛ اسمیت، مایکل. (۱۳۷۲). *ماهیت سیاست‌گذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها*. (حسین سیف‌زاده، مترجم). تهران: قومس.
- پیرا، فاطمه. (۱۳۷۹). *روابط سیاسی-اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ جهانی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- تاپیتون، فرانک؛ آلد ریچ، رابرت. (۱۳۷۵). *تاریخ اقتصادی و اجتماعی اروپا جلد اول: ۱۸۹۰-۱۹۳۹*. (کریم پیرحیاتی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.
- ترابی فارسانی، سهیلا. (۱۳۹۲). *از مجلس وکلای تجار تا اتاق ایران*. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- رونون، پیر. (۲۵۳۷). *تاریخ روابط بین‌الملل: بحران‌های قرن بیستم*. (ج ۲). (احمد میرفندرسکی، مترجم). تهران: دانشگاه ملی.
- سپهر، احمدعلی. (۲۵۳۵). *ایران در جنگ دوم جهانی*. تهران: دانشگاه ملی.
- ضیائی، منوچهر. (۱۳۷۱). *مجموعه مصوبات دولت در زمینه مسائل پولی و بانکی و سایر مصوبات مربوط از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۷۰*. (ج ۱): از سال ۱۲۹۱ تا سال ۱۳۵۷. تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۹). *تاریخ اقتصادی ایران*. (یعقوب آژند، مترجم). تهران: نشر گستره.
- کلاف، شپرد؛ مودی، توماس؛ مودی، کارل. (۱۳۶۸). *تاریخ اقتصادی اروپا در قرن بیستم*. (محمدحسین وقار، مترجم). تهران: نشر گستره.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۰). *اسنادی از ارزش و انحصار تجارت خارجی در دوره رضاشاه (۱۳۰۵-۱۳۱۱ هـ ش)*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هجری شمسی*. (۱۳۸۸). (ج ۱). تهران: قوه قضائیه روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- مسعود انصاری، عبدالحسین. (۱۳۵۱). *زندگانی من و نگاهی به تاریخ سیاسی ایران*. (ج ۲): نگاهی به تاریخ سیاسی ایران و جهان. تهران: ابن سینا.

منابع دیجیتال

لوح فشرده مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پنجم، جلسه صد و چهل و هفتم، یکشنبه نهم حمل ۱۳۰۴.

نشریات

روزنامه *اطلاعات*: سال پنجم، شماره ۱۱۴۴، (شنبه ۲ مهر ۱۳۰۹)؛ سال پنجم، شماره ۱۲۶۷، (۴شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۰۹)؛ سال ششم، شماره ۱۴۹۲، (۳شنبه ۲۴ آذر ۱۳۱۰).



- روزنامه شفق سرخ: شماره ۱۰۱۷، (یکشنبه ۷ مرداد ۱۳۰۷).
- مجله اطاق تجارت: سال اول، شماره اول، (۵ آبان ۱۳۰۸)؛ سال سوم، شماره ۳۴ و ۳۵، (۱۵ اسفند ۱۳۱۰ و اول فروردین ۱۳۱۱)؛ سال سوم، شماره ۳۶-۳۷، (۱۵ دوم فروردین ماه و اول اردیبهشت ۱۳۱۱)؛ سال چهارم، شماره ۵۲، (۱۵ آذر ۱۳۱۱).
- مجله تجارت: دوره سوم، شماره ۲۹، (اسفند ۱۳۱۰).
- مجله راهنمای تجارتهای ایران عصر جدید: شماره سوم، (۳ فروردین ۱۳۰۷).
- مجله مهر: سال اول، شماره ۶، (آبان ۱۳۱۲).

منابع لاتین

- Craig, Gordon A. (1981). *Germany 1866-1945*. New York: Oxford university Press Inc.
- Lee, C. H. (Oct 1969). "The Effect of the Depression on Primary Producing countries". *Journal of Contemporary History*, 4(4), pp 139-155.
- Pulzer, Peter. (1997). *Germany, 1870-1945: politics, state formation, and war*. New York: Oxford.
- Raupach, Hans. (Oct 1969). "The Impact of the Great Depression on The Eastern Europe". *Journal of Contemporary History*, 4(4), pp 75-86.
- Vernon, J. R. (1994). "World War II Fiscal Policies and the End of the Great Depression". *The Journal of Economic History*, 54(4), pp 850-868.

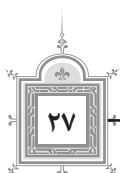
English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran)

Books

- Avery, Peter. (n. d.). "*Tārīx-e mo'āser-e Irān*" (The contemporary history of Iran) (vol.2). Translated by Mohammad Rafiei Mehrabadi. Tehran: Matbu'āti. [Persian]
- Barber, James & Smith, Michael. (1372/1993). "*Māhiat-e siāsat-gozāri-ye xāreji dar donyāye vābastegi-ye moteqābel-e kešvar-hā*" (The nature of foreign policy in the



- world of interdependence of countries). Translated by HoseinSeifzadeh. Tehran: Qumes.[Persian]
- Clough, Shepard; Moodie, Thomas&Moodie, Carol. (1368/1989). *“Tārix-e eqtesādi-ye Orupā dar qarn-e bistom”* (The economic history of Europe in the twentieth Century). Translated by Mohammad Hosein Qajar. Tehran: Našr-e Gostareh.[Persian]
- Craig, Gordon A. (1981). *Germany 1866-1945*. New York: Oxford University Press Inc.
- Elahi, Homayoun. (1367/1998). *“Amperyālism va aqab-māndegi”* (Imperialism and mustiness). Tehran: Šerkat-e Āmuzeši, FarhangivaEntešārāti-ye Andiše (Andisheh Educational & Cultural Publications).[Persian]
- Evers, Tilman. (1362/1983). *“Māhiat-e dowlat dar jahān-e sevvom”* (Bürgerliche Herrschaft in der Dritten Welt) [Civil rule in the third world]. Translated by Behrouz Tavanmand. Tehran: Mo’assese-ye Āgah.[Persian]
- GolMohammadi, Ahmad. (1380/2001). *“Asnādi az arz va enhesār-e tejārat-e xāreji dar dowre-ye RezāŠāh (1305-1311)”* (Documents on foreign exchange and monopoly of foreign trade during Reza shah Reign (1930-1935)). Tehran: Vezārat-e FarhangvaEršād-e Eslāmi (The Ministry of Culture and Islamic Guidance). [Persian]
- Issawi, Charles. (1369/1990). *“Tārix-e eqtesādi-ye Irān”* (The economic history of Iran). Translated by YaghoubAjand. Tehran: Našr-e Gostareh.[Persian]
- “Majmu’è qavānin va moqarrarāt-e sāl-hā-ye 1300-1320”* (The collection of rules and regulations from 1921 to 1941) (vol. 1). (1388/2009). Tehran: Qovve-ye Qazā’iyeRuz-nāme-ye Rasmi-ye Jomhuri-ye Eslā mi-ye Irān (The judiciary, the official newspaper of Islamic Republic of Iran).[Persian]
- Masoud Ansari, Abdulhosein. (1351/1972). *“Zandegāni-ye man va nagāhi be tārix-e siāsi-ye Irān (jeld-e 2): Negāhi be tārix-e siāsi-ye Irān va jahān”* (My life and a glance at the political history of Iran (vol. 2): A glance at the political history of Iran and the world). Tehran: Ebn-e Sinā.[Persian]
- Pira, Fatemeh. (1379/2000). *“Ravābet-e siāsi-eqtesādi-ye Irān va Ālmān bein-e do jang-e jahāni”* (Political and economic relations between Iran and Germany be-



- tween the two world wars). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Document center of Islamic Revolution).[Persian]
- Pulzer, Peter. (1997). *Germany, 1870-1945: Politics, state formation, and war*. New York: Oxford.
- Renouvin, Pierre. (2537/1958). “*Tārix-e ravābet-e bein al-melal: Bohrān-hā-ye qarn-e bistom*” (Historia de las relaciones internacionales: Las crisis del siglo xx) [The history of international relations: The crises of the 20th century] (vol. 2). Translated by Ahmad Mir Fendereski. Tehran: National University.[Persian]
- Sepehr, Ahmad Ali. (2535/1956). “*Irān dar jang-e dovom-e jahāni*” (Iran in the second world war). Tehran: National University.[Persian]
- Tipton, Frank & Aldrich, Robert. (1375/1996). “*Tārix-e eqtesādi va ejtemā’ei-ye Orupā: 1890-1939*” (An economic and social history of Europe from 1890 to 1939) (vol. 1). Translated by Karim PirHayati. Tehran: Elmiva Farhangi.[Persian]
- Torabi Farsani, Soheila. (1392/2013). “*Az majles-e vokalā-ye tojjār tā otāq-e Irān*” (From the assembly of business lawyers to the chamber of Iran). Tehran: Ketābxāne, Muzeva Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament).[Persian]
- Ziaei, Manouchehr. (1371/1992). “*Majmu’e mosavvabāt-e dowlat dar zamine-ye masā’el-e puli va bānki va sāyer-e mosavvabāt-e marbut az sāl-e 1291 tā 137 (jeld-e 1): Azsāl-e 1291 tāsāl-e 1357*” (The collection of government’s approvals regarding monetary and banking issues as well as other relevant approvals from 1912 to 1991 (vol. 1): from 1912 to 1978). Tehran: Mo’assese-ye Tahqiqāt-e Puli va Bānki (Monetary & Banking Research Institute).[Persian]

Articles

- Lee, C. H. (October, 1969). “The effect of the depression on primary producing countries”. *Journal of Contemporary History*, 4(4), pp. 139-155.
- Raupach, Hans. (October, 1969). “The impact of the great depression on the Eastern Europe”. *Journal of Contemporary History*, 4(4), pp. 75-86.



Vernon, J. R. (1994). "World War II fiscal policies and the end of the great depression".
The *Journal of Economic History*, 54(4), pp. 850-868.

Digital Sources

"*Loh-e fešorde-ye mašruh-e mozākerāt-e majles-e šorā-ye melli, dowre-ye panjom, jalase-ye sad-o čehel-o haftom, yekšanbeh nohom-e haml 1304*" (The compact disk of the negotiations of the National Parliament, fifth round, one hundred forty seventh Meeting, Sunday, December 30th, 1925. [Persian]

Print Media

Ettelā'āt Newspaper [Persian]

Šafaq-e Sorx Newspaper [Persian]

Otāq-e Tejārat Magazine [Persian]

Tejārat Magazine [Persian]

Majalle-ye Rāhnamā-ye Tejāratī-ye Irān-e Asr-e Jadid (Commercial Guide to Iran of the New Era Magazine). [Persian]

Mehr Magazine [Persian]

